

پسر کوچکی وارد مغازه ای شد، جعبه نوشابه را به سمت تلفن هل داد و بر روی جعبه رفت تا دستش به دکمه های تلفن برسد و شروع کرد به گرفتن شماره. مغازه دار متوجه پسر بود و به مکالماتش گوش می داد.

پسرک پرسید: خانم، می توانم خواهش کنم کوتاه کردن چمن های حیاط خانه تان را به من بسپارید؟ زن پاسخ داد: کسی هست که این کار را برایم انجام می دهد! پسرک گفت: خانم، من این کار را با نصف قیمتی که او انجام می دهد انجام خواهم داد! زن در جوابش گفت که از کار این فرد کاملا راضی است. پسرک بیشتر اصرار کرد و پیشنهاد داد: خانم، من پیاده رو و جدول جلوی خانه را هم برایتان جارو می کنم. در این صورت شما در یکشنبه زیباترین چمن را در کل شهر خواهید داشت. مجددا زن پاسخش منفی بود.

پسرک در حالی که لبخندی بر لب داشت، گوشی را گذاشت. مغازه دار که به صحبت های او گوش داده بود به سمتش رفت و گفت: پسر...، از رفتارت خوشم آمد؛ به خاطر اینکه روحیه خاص و خوبی داری دوست دارم کاری به تو بدهم. پسر جواب داد: نه ممنون، من خودم کار دارم و فقط داشتم عملکردم را ارزیابی می کردم. من همان کسی هستم که برای این خانم کار می کند!